

بهار العارفین

زنده ماندیم و بهاری دگر از راه رسید
عارفان را ز چمن مژده ی بیگانه رسید
پیش پیر دل ما موسم گل پائیز است
صله آرید، خزان سرزده از راه رسید
بوستان جامه عوض کرد و به آئین بنشست
مهرگان تا ز سراپرده به خرگاه رسید
دست نقاش طبیعت سر هر برزن و کوی
صنع خود کرد نمایان و به دلخواه رسید
گل که از گرمی مرداد مکدر شده بود
باز بر طرف چمن خرم و خودخواه رسید
بوستان بار دگر زنده و پر غوغا شد
تامی و مطرب و ساقی همه همراه رسید
خرقه بر تن بدرانید و به گلزار شتافت
این خبرها چو بدان پیر دل آگاه رسید
دست افشان به گلستان بشتابیم که دوست
سرخوش از باده ی دوشینه چنان ماه رسید

رضا شاپوریان

پنجشنبه ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۸